



فعالیت‌های فکری و سیاسی

فرقه زیدیه در ایران

(۶)

انشعاب فکری فرقه زیدیه (زیدیان)

همچنین دولت علویان زیدی در طبرستان که از سال ۲۵۰ تا سال ۳۱۶ هجری در شمال کشور ایران حکومت داشتند دومین دولت مستقل زیدی در اسلام و نخستین دولت علوی زیدی در ایران بشمار میرود .

دولت ائمه رسی در سعاداء یمن که از سال ۲۸۰ تا حدود سال ۷۰۰ هجری در آن سرزمین حکومت داشتند سومین دولت مستقل شیعه علوی زیدی در اسلام است . این توضیح نیز لازم بنظر میرسد که مردم یمن زیدی مذهبند و تائید از جمهوریت، امام ایشان در شهر صنعاء می‌زیست .

شعبه‌های فرقه زیدیه که در کتابهای فرقه‌های اسلامی نام آنها آمده از این قرار

است :

۱ - بتریه یا ابتریه که ایشان را صالحیه نیز می‌خوانند پیروان حسن بن صالح بن حنی

و کثیرالنواء شاعر معروفند که او را ابتر لقب داده بودند .

* آقای عبدالرفیع حقیقت (رفیع) مدیر عامل شرکت مؤلفان و مترجمان ایران از تاریخ

نویسان محقق معاصر

۲ - ابرقیه ۲.

۳ - ادرسیه : پیروان ادریس بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب ع مؤسس ادراسه در مغرب اند ، و او را برادرش محمد بن عبدالله به این ناحیه فرستاد و در ۱۷۷ هجری بدست سلیمان بن جریر جذری به امر هارون الرشید مسموم گردید^۳

۴ - جارودیه یا سر حوییه : پیروان ابوالجارود یا ابوالنجم مازیار بن مندر عبدی.

۵ - جریریه یا سلیمانیه : پیروان سلیمان بن جزیر رقی که از متکلمان زیدیه بشمار میرفت .

۶ - حسنیه : پیروان حسن بن زید بن الحسن بن علی که در سال ۲۵۰ هجری در طبرستان خروج کرد و شرح اقدام های سیاسی این سلسله در ورقهای آینده به تفصیل خواهد آمد .

۷ - حسینیه ، که ائمه را به این ترتیب می شمردند : علی بن ابیطالب ع ، حسین بن علی ع ، زید بن علی بن حسین ع ، یحیی بن زید ، عیسی بن زید ، محمد بن عبدالله بن حسن و بعد از محمد هر کس از آل علی که مردم را به اطاعت خدا بخواند .

۸ - حسینیه : پیروان حسین بن علی بن حسن بن الحسن بن حسن معروف به صاحب فنج که در محلی بنام فنج واقع در ششمیلی مکه بدست عیسی بن موسی کشته شد .

۹ - خشبیه یا سرخابیه : پیروان سرخاب طبری از فرقه زیدیه که پس از مختار بن ابیعبید ثقفی خروج کردند ، و چون سلاحی جز خشب (چوب) نداشتند آنان را خشبیه گفتند . بعضی گفته اند چون ایشان چوبه داری را که زید بن علی بن حسین (ع) بر آن آویخته شد حذف کرده بودند به این اسم خوانده شده اند.^۴

۱۰ - خلفیه : از فرقه های زیدیه که یاران خلف بن عبدالصمد بودند.^۵

۱۱ - دوکینیه : از فرقه های زیدیه که یاران فضل بن دوکین بودند.^۶

۱۲ - ذکیریه : از فرقه های زیدیه که یاران ذکیر بن صفوان بودند.^۷

۱۳ - صباخیه : از فرقه های زیدیه که ابوبکر را امام می دانستند و می گفتند که علی (ع) با اینکه افضل است نصی بر خلاف او نیست.^۸

۱۴ - صباخیه از یاران صباح المزنی که از ابوبکر و عمر بیزاری جستند و به رجعت اعتقاد داشتند .

۱۵ - عجلیه : از فرقه های زیدیه ، از یاران هارون بن سعید عجلی.

۱۶ - قاسمیه : از فرقه های زیدیه که پیرو قاسم بن ابراهیم بن طباطبائی الرسی بودند

(متوفی سال ۲۶۴ هجری).^۹

۱۷ - مرثیه : از فرقه های زیدیه.^{۱۰}

۱۸ - نعیمیه : از فرقه‌های زیدیه که پیرو نعیم بن یمان بودند .

۱۹ - یعتوبیه : پیروان یعقوب بن عدی کوفی بودند و هر چند رجعت را انکار می کردند ولی از کسانی که به آن باور نداشتند تبری نمی جستند و از ابوبکر و عمر روی گردان نبودند . ۱۱

ظهور حسین بن علی بن حسن علوی زیدی

بعد از کشته شدن ابراهیم بن عبدالله بن حسن بن حسن ، در زمان خلافت منصور عباسی ، در سال ۱۶۹ هجری ، حسین بن علی بن حسن بن علی بن ابیطالب (ع) در مدینه قیام و ظهور کرد . بطوریکه نوشته اند ۱۲ علت خروج و قیام او این بود که هادی خلیفه عباسی برای حکومت مدینه عمر بن عبدالعزیز بن عبدالله بن عمر بن خطاب را برگزید .

وقتی که او به حکومت مدینه رسید ، ابوالزفت حسن بن محمد بن محمد بن عبدالله و مسلم بن جندب شاعر هذلی و عمر بن سلام مولای خاندان عسرا که سرگرم باده گساری بودند برگرفت و باز بداشت .

سپس آنان را تازیانه زد و دستور داد برگردنشان طناب ببفکنند و در شهر مدینه بگردانند و رسوا کنند . حسین بن علی بن حسن (ع) نزد عمر حاکم مدینه رفت و گفت : تو آنان را تازیانه زدی و حال اینکه حق نداشتی زیرا اهل عراق باده را مباح و رومانی دانند (در مذهب ابوحنیفه الکل غیر از شراب انگور رومی باشد) چرا پس از حسد آنان را ریسمان بر گردن در شهر گردانیدی و رسوا کردی ؟! عمر دستور داد آنان را بر گردانند و پیه زندان بسپارند .

بعد از این واقعه ، چون حسین بن علی و یحیی بن حسن هر دو کفالت و ضمانت از حسن بن محمد کردند حاکم مدینه دستور داد او را آزاد کردند . بعلاوه برخی از افراد خاندان ابوطالب از برخی دیگر از افراد خانواده خود ضمانت کرده بودند و اشخاص ضمانت شده برای اثبات وجود روزانه حاضر میشدند بر حسب اتفاق ، حسن بن محمد دوروز از حضور و اثبات وجود غیبت کرد . حاکم مدینه حسین بن علی و یحیی بن عبدالله را بخواست و از علت و غیبت حسن بن محمد پرسید و برای حاضر کردن وی سخت گرفت و درشتی آغاز نهاد یحیی بن عبدالله سوگند یاد کرد که نخسبد تا حسن را حاضر کند و آنگاه در خانه را بگوید و بگوید حسن را همراه آورده ام .

همینکه از نزد حاکم بیرون آمدند ، حسین بن علی گفت : چرا تسلیم سخن او شدی ؟ از کجا ، حسن را پیدا و حاضر می کنی ؟ تو بر چیزی سوگند یاد کردی که بر آن قادر نخواهی بود . یحیی گفت : بخدا قسم نخواهم خوابید تا آنکه در خانه حاکم مدینه را بگویم و با شمشیر بدرون شوم . حسین گفت : این کار منافسی تهمیمی است که به اتفاق یاران

گرفته شده است ۱۳

زیرا آنان تصمیم گرفته بودند که در موسم حج در مکه و منی جمع شوند و قیام و خروج کنند. یحیی گفت: بی اختیار چنین چیزی از من سرزده (یعنی ناخودآگاه قسم خوردم که به عمر حاکم مدینه هجوم آورم).

پس آنگاه یاران حسین بن علی بن حسن بن علی بن ابیطالب (ع) ناگزیر همان شب قیام کردند و در آخر شب خروج نمودند.

ادامه دارد

- ۱ - تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم تألیف دکتر محمد جواد مشکور صفحه ۶۳-۶۱.
- ۲ - خاندان نوبختی تألیف شادروان عباس اقبال آشتیانی صفحه ۲۴۹ (مروج الذهب چاپ مصر جلد دوم صفحه ۱۴۴)
- ۳ - ابوالحسن اشعری، مقالات الاسلامیین صفحه ۶۴-۷۹، مقاتل الطالبین طبع تهران صفحه ۱۷۰.
- ۴ - خاندان نوبختی تألیف شادروان عباس اقبال صفحه ۲۵۵. مفاتیح العلوم صفحه ۲۱.
- ۵ - مفاتیح العلوم صفحه ۲۱۴ - ۶ - خطاط مقریزی جلد چهارم صفحه ۱۷۷.
- ۷ - خطاط مقریزی جلد چهارم صفحه ۱۷۷ - ۸ - کتاب المقالات والفرق صفحه ۷۱.
- ۹ - خاندان نوبختی صفحه ۲۶۱.
- ۱۰ - خاندان نوبختی صفحه ۲۶۱، مروج الذهب جلد دوم صفحه ۱۴۴.
- ۱۱ - کتاب المقالات والفرق صفحه ۷۱، ۲۰۲، تاریخ مذاهب اسلام صفحه ۳۱۰-۳۰۹.
- ۱۲ - کامل ابن اثیر ترجمه عباس خلیلی جلد دهم صفحه ۳۵.
- ۱۳ - این تصمیم مربوط به علویان زیدی بود که بعد از کشته شدن ابراهیم بن عبد الله بن حسن بن حسن بطور مخفی در مدینه با هم ملاقات کرده و تصمیم قیام دیگر را به سرداری حسین بن علی بن حسن بن علی بن ابیطالب (ع) گرفته بودند.

کی این در بسته بود؟

- | | |
|----------------------------------|-----------------------------|
| کای خدا آخوردی بر من گشا | بیخودی می گفت در پیش خدا |
| گفت: ای غافل کی این در بسته بود؟ | را بسمه آنجا مگر بنشسته بود |
| عطارد نیشا بوری - قرن هفتم | |